

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته روان شناسی بالینی

**بررسی اثربخشی برنامه آموزش TAME بر کاهش پر خاشگری
و بهبود نظم جویی شناختی هیجان در نوجوانان پسر بی سرپرست و بدسرپرست**

استاد راهنما:
جناب آقای دکتر علی مشهدی

استاد مشاور:
جناب آقای دکتر حمیدرضا محمدیان شعرباف

دانشجو:
سیده طلوع خدادادی

تابستان ۱۳۹۲

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: مقدمه پژوهش

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	بیان مسئله
۶.....	ضرورت و اهمیت پژوهش
۶.....	اهداف اصلی
۷.....	فرضیه‌های پژوهش
۷.....	تعریف متغیرهای پژوهش
۷.....	نظم‌جویی هیجان‌شناختی
۷.....	نظم‌جویی شناختی هیجان

فصل دوم : گستره نظری و ادبیات پژوهش

۹.....	موضع‌گیری‌های نظری در خصوص کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست
۹.....	تاریخچه حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست
۹.....	نحوه نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست در جهان
۱۰.....	نحوه نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست در ایران
۱۰.....	علل بی‌سرپرستی
۱۱.....	مشکلات مختلف کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست
۱۱.....	فقدان احساس امنیت و تامین نیازها
۱۲.....	هیجان
۱۳.....	مؤلفه‌های هیجان
۱۳.....	تاریخچه هیجان:
۱۳.....	نظریه‌های هیجان
۱۳.....	نظریه جیمز – لانگه:
۱۴.....	نظریه شاختر سینگر:

نظریه ارزیابانه:.....	۱۴
نظریه بازخورد چهره:.....	۱۴
نظم‌جویی هیجانی	۱۵
راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان	۱۶
انواع و مولفه‌های راهبردی نظم‌جویی هیجان	۱۶
عوامل موثر بر نظم‌جویی هیجان‌شناختی	۱۸
تأثیر آموزش بر نظم‌جویی هیجانی شناختی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست.....	۱۹
موضع‌گیری در خصوص پرخاشگری	۲۰
تعریف خشم و پرخاشگری	۲۰
رویکردهای نظر درباره خشم و پرخاشگری	۲۱
دیدگاه روان تحلیل‌گری	۲۱
دیدگاه روان‌شناسی فردنگر	۲۱
دیدگاه روان تحلیل‌گر اجتماعی	۲۲
دیدگاه اصالت وجود	۲۲
دیدگاه یادگیری اجتماعی	۲۲
دیدگاه عقلانی، رفتار- عاطفی	۲۲
دیدگاه فردمدار	۲۳
دیدگاه شناختی - رفتاری	۲۳
برنامه آموزش مدیریت خشم TAME	۲۳
رابطه نظم‌جویی هیجان شناختی و پرخاشگری	۲۷

فصل سوم : روش پژوهش

جمع‌بندی	۲۷
طرح پژوهش	۳۰
ابزار پژوهش	۳۰
پرسشنامه خشم اشیپلربرگر (STA XI2)	۳۰
اعتبار و روایی پرسشنامه اشیپلربرگر (STAXL-2)	۳۰
روش نمره‌گذاری	۳۱

نسخه فارسی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان	۳۱
روند اجرای پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها	۳۲
مرحله اول: تهیه آزمون‌های پژوهش و طرح مداخله	۳۲
مرحله دوم: جمع‌آوری نمونه و انجام پیش آزمون	۳۲
مشاهدات میدانی	۳۳
مشاهدات میدانی در حین انجام پیش آزمون	۳۳
شرح ده جلسه‌ای پروتکل TAME	۳۳
نحوه اجرا برنامه مدیریت خشم تام	۳۳
جلسه اول: آشنایی گروهی	۳۴
روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	۳۷

فصل چهارم : یافته های پژوهش

بررسی جمعیت شناختی	۳۹
آزمون فرضیه‌های پژوهش	۴۰
فرضیه دوم اصلی	۴۳
فرضیه اصلی اول	۴۸
فرضیه اصلی دوم	۵۰

فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

جمع‌بندی	۵۳
محدودیت‌ها	۵۳
پیشنهادهات	۵۴
منابع فارسی	۵۵
منابع لاتین	۵۸

فهرست جداول

جدول ۴- ۱: وضعیت سنی شرکت کنندگان.....	۳۹
جدول ۴- ۲: اطلاعات مربوط به مدت اقامت آزمودنی‌ها.....	۳۹
جدول ۴- ۳: نمرات آزمون سنجش تاثیر مداخله بر خشم کلی در پیش آزمون، پس آزمون	۴۰
جدول ۴- ۴: نمرات آزمون سنجش مداخله بر خشم کلی در پیش آزمون و پس آزمون	۴۰
جدول ۴- ۵: جدول آزمون‌های کواریانس	۴۱
جدول ۴- ۶: آماره‌های استنباطی سنجش مداخله بر خشم کلی در پیش آزمون و پس آزمون.....	۴۲
جدول ۴- ۷: نمرات آزمودنی‌ها در پیش آزمون و پس آزمون راهبردهای سازگارانۀ نظم‌جویی هیجان‌شناختی.....	۴۳
جدول ۴- ۸: آماره‌های استنباطی، تاثیر برنامه خشم‌تام بر نظم‌جویی شناختی هیجان.....	۴۴
جدول ۴- ۹: جدول آزمون‌های کواریانس	۴۵
جدول ۴- ۱۰: نمرات تاثیر آموزش تام بر راهبردهای سازگارانۀ و ناسازگارانۀ.....	۴۵
جدول ۴- ۱۱: آماره‌های استنباطی تاثیر مداخله تام بر نمرات حاصل از پیش آزمون و پس آزمون در راهبردهای سازگارانۀ و ناسازگارانۀ.....	۴۶

چکیده

از آنجا که پرخاشگری و تنظیم هیجان از مسائل مهم در زندگی روزمره محسوب می‌شود و نوجوانان طیف وسیعی از جامعه را با درگیری در این دو مسئله دربرمی‌گیرند، نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست به دلیل جبر حاصل از شرایط حاکم بر آنان از دوران کودکی فاقد دریافت مهارت‌های لازم و صحیح بودند و پژوهش حاضر با هدف بررسی آموزش برنامه‌ی مدیریت خشم TAM در سطح پرخاشگری و بهبود نظم‌جویی شناختی هیجان نوجوانان پسر بی‌سرپرست و بدسرپرست انجام گرفت. نمونه در این پژوهش ۲۰ نفر نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ سال بودند که از دو مرکز شبانه‌روزی در شهر مشهد که حاضر به همکاری بودند به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابتدا پرسشنامه‌ی نظم‌جویی شناختی، فرم کودک و نوجوان و اسپیلبرگر به هردو گروه ارائه گردید و سپس پروتکل میریت خشم به مدت ۱۰ جلسه هر هفته ۲ جلسه یک ساعتی به گروه آزمایش آموزش داده شد و گروه کنترل تنها جلسات دورهم‌نشینی را تجربه کردند سپس پرسشنامه‌ها مجدداً ارائه داده شد و نتایج حاصل از پس آزمون و پیش آزمون حاکی از این بود که میزان پرخاشگری در ۴ خرده‌مقیاس خشم صفت، خشم درونی، کنترل خشم بیرونی، کنترل خشم درونی و در مورد نظم‌جویی هیجان شناختی راهبردهای سازگارانه نظم‌جویی در گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/05$). نتیجه‌گیری: آموزش مدیریت خشم TAME در کاهش پرخاشگری و بهبود سطح نظم‌جویی هیجان مؤثر است.

کلیدواژه: پرخاشگری، نظم‌جویی شناختی هیجان.

فصل اول

مقدمه پژوهش

نگاهی کوتاه به جهان اطراف ما نشان خواهد داد که عصر ما عصر پرخاشگری است، بخش عمده اخبار تلویزیون شرح و نمایش خشونت‌هایی است که در نقاط مختلف جهان از سوی انسان‌ها به همدیگر اعمال می‌شود. کشتارهای دسته جمعی، قتل‌های انفرادی، تجاوز، تبعیض، محروم کردن از حق اولیه، همه و همه گویای چهره خشن و زشت انسان به هم‌نوعان خود است (کریمی، ۱۳۸۵)

مشاهده جهان اطراف گویای این است که این مشکل رفتاری در بین همه انواع مختلف جانداران، جوامع طبقات اقتصادی- اجتماعی، مراحل مختلف سنی و جریان‌ها دیده می‌شود ولی آنچه مهم است شدت و نوع علائم این اختلال رفتاری در بین انواع مختلف است. مسائل مرتبط با خشم مانند رفتارهای مقابله‌ای، خصومت و پرخاشگری از علل اصلی مراجعه کودکان و نوجوانان به مراکز مشاوره و روان درمانی است (ملکی، ۱۳۸۵).

بیان مسئله

به طور کلی براساس ملاک یونیسف کودکان بی سرپرست افراد زیر هجده سالی که از سرپرستی و حضور تربیتی روان شناختی و حمایتی موثر والدین واز مزایای زندگی در خانواده محروم شده‌اند رنج می‌برند. این شرایط علاوه بر کودکان بی سرپرست شامل تمام کودکان بد سرپرست شامل می‌شود که یک یا هر دو والدین آنها دچار مشکلات ودا بیماری‌هایی هستند که سبب می‌شود صلاحیت وکفایت لازم برای انجام وظایف والدینی را بصورت موقت یا دایمی از دست داده باشند (سازمان بهزیستی ۱۳۸۸).

با وجود پیشرفتهای بشر در زمینه ی علوم مختلف، اما هنوز پدیده بی سرپرستی و بدسرپرستی جزء مسائل لاینحل باقی مانده است، که چنان تاثیرگذار و مهم بوده است که مورد بررسی و توجه بسیاری از شاخه‌ها و علوم مختلف همچون: روانشناسی، جامعه شناسی، حقوق، پزشکی و... قرار گرفته است (خوشبخت ۱۳۸۰). همچنین بدسرپرستی از آنجا که آسیب‌های جدی برای فرد، جامعه و خانواده در بر دارد از مصادیق بسیار مهم در حوزه ی پژوهش می‌تواند محسوب شود (مدانلو، حقانی، جعفر پور، ۱۳۸۰).

از آنجا که سرپرستی مسئله‌ای مربوط به کودکی و نوجوانی است و دوره ی نوجوانی، از نظر سن شروع، سرعت و طول مدت رشد، می‌تواند به گونه‌ای منفی یا مثبت، دوره‌ای بسیار حساس در شکل گیری شخصیت فرد در آینده باشد، بررسی وضعیت نوجوانان در مراکز نگهداری امری مهم می‌نماید (شانه ساز، نوروزی نژاد و عبادی، ۱۳۸۳).

عوامل متعددی در پرخاشگری نقش دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: هوش اجتماعی (حسن آبادی، کاهنی، سعادت جو، ۱۳۷۹)، روابط بین والدین، تحصیلات خانوادگی، طلاق، طبقه اجتماعی، جنسیت، وضعیت اقتصادی (رضائی، افروز، کزازی، حجازی، ۱۳۸۶) نوع دلبستگی (مشهدی و همکاران، ۱۳۸۸)، مشکلات مربوط به لوب پیش پیشانی (مهری نژاد، داوود آبادی و فراهانی، ۱۳۹۰) اختلال سلوک و تکانشگری (پرستون^۱ و گودفلو^۲، ۲۰۰۴)، شیوه‌های فرزند پروری (سوتکر^۳ و آلان، ۱۹۹۳)، اشتغال، ترتیب تولد، هوش هیجانی، عزت نفس و منبع کنترل (مدانلو و حقانی و جعفر پور، ۱۳۸۰)، ارث و محیط (ابراهیمی و نوری و مولوی، ۱۳۸۶)، نبود

1 . Preston. T.

2 . God flue. T.R.

3 . Soaker. G.

معیارهای اخلاقی (زندى پور، ژيان باقرى، ۱۳۸۵)، وضعيت فرهنگى و هيجان خواهى (هافمن^۱، ۱۹۹۴) و (کلاينبرگ، هام و شايىنگ، ۱۹۹۲ به نقل از کى نيا، ۱۳۷۴) (کرول^۲ و زاکرمن، ۱۹۸۲ به نقل از آقامحمدیان، ۱۳۸۰).

نتايج تحقيقات نشان مى دهد که نوجوانان در مراکز نگهدارى، درزمينه ي نظم جويى هيجان (هيجان طلبى بالا) (نوربها، ۱۳۷۷)، پرخاشگرى، اضطراب، افسردگى، خود بيمار انگارى و اختلال وسواسى-جبرى رامسائلى تجربه مى کنند (ساکى و جاريانى، ۲۰۰۹) که از اين ميان، پرخاشگرى در نوجوانان داراي اهميت وي است. پرخاشگرى و عدم کنترل هيجاني سبب تکانشگرى شده و ميزان جرم و جنایت و اعمال خشونت آميز و جرائم تصادفى خشن را افزايش مى دهد. تحقيقات نشان مى دهد که ۸۰٪ بزهکاران به طور اتفاقى و آنى و در اثر هيجانات لحظه اى مرتکب جرم مى شوند که حاکی از آن است که اين افراد درلحظه توانايى کنترل هيجانات و پرخاشگرى را ندارند (کى نيا، ۱۳۸۰).

عدم کنترل خشم سبب بروز مشکلات اجتماعى، شغلى و بيمارى جسمى و روانى نوجوان مى شود و پيش بينى کننده استفاده از مواد و الکل و کشيدن سيگار، سازگارى کم در مدرسه، افت تحصيلى، بزهکارى و اختلالات ديگر نوجوان است (ديس کويز^۳، ۲۰۰۳).

طبق ارقام موجود در ايران ۴۰٪ اطفال نگهدارى شده در کانون اصلاح و تربيت در سال هاى اخير متعلق به کانون هاى خانوادگى متشنج و از هم پاشيده و يا داراي اختلال بوده اند، اين کودکان آموزش کافى در زمينه ي کنترل هيجاني را نداشته اند (شکوهى، ۱۳۸۰).

مبتنى بر اين فرض که نوجوانان کمتر بر خشم خود کنترل دارند، بدليل کمبود مهارت هاى شناختى و رفتارى بخصوصى است، فيندلر و همکاران، يک برنامه مديریت خشم براى نوجوانان ايجاد کردند. مديریت خشم بر کنترل پاسخ هاى تکانشى و هيجاني و همچنين بر ابراز مناسب خشم به شيوه جراتمندانه و منطقى، از طريق آموزش مهارت هاى خطى برانگيخته شده و راهبردهاى شناختى طراحى شده و هدف اصلى و کلى در حل و فصل مسائل ميان فردى و ارتباطات قاطعانه در مقوله خشم و پرخاشگرى، نشان دادن عکس العمل هاى نامناسب و جلوگيرى از واکنش هاى عصبى و پرخاشگرى عصبى و پرخاشگرى غيرارادى داده است (فيندلر^۴ و همکاران، ۲۰۰۵).

براساس پژوهشى که بر تأييد اثر آموزش هوش هيجاني بر کاهش پرخاشگرى انجام داده اند، طى اين پژوهش به روش شبه آزمائشى (طرح پيش آزمون- پس آزمون) با گروه کنترل ابتدا از بين مدارس ناحيه ۵ مشهد ۱۰۰ نفر دانش آموز به طور تصادفى انتخاب شدند و با پرسشنامه خشم نلسون ۲۰ نفر انتخاب شدند نتايج نشان داد بين هوش هيجاني و پرخاشگرى نوجوانان بين پرخاشگرى همبستگى منفى وجود دارد. در نتيجه آموزش هيجاني موجب بهبود پرخاشگرى و مولفه هاى آن: پرخاشگرى هاى بدنى، ناکامى و ارتباط با همسالان مى شود (کيميايى، رفتار، سلطانى فر، ۱۳۹۰).

1 . Huffman

2 . Carol

3 . Disquisepe, R.

4 . Feindler, E.

در بررسی که مشهدی، میردورقی و حسنی انجام داده‌اند در قالب یک طرح همبستگی با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان دانش‌آموزان پایه سوم، چهارم، پنجم ابتدائی شهر مشهد انتخاب شد مشاهده شد که راهبردهای ملامت خود، نشخوارگری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران، رابطه‌ی مثبت با اضطراب و افسردگی دارد. در این پژوهش استنباط می‌شود که یکی از عوامل بروز اختلال‌های روان شناختی کودکان نقش دارد راهبرد شناختی است که آن‌ها برای نظم‌دهی هیجان خود بعد از تجربه رویداد تهدیدآمیز به کار می‌گیرند (مشهدی، میر دورقی، حسنی ۱۳۹۰).

طی پژوهشهایی که روی پردازش اجتماعی شناختی نوجوانان پرخاشگر انجام شده، نتیجه‌گیری شده است که، تعبیر و تفاسیر تحریف می‌شوند، سوگیری‌ها، نقص و کمبود در حل مسئله می‌توانند در پاسخ رفتارهای پرخاشگرانه و تکانشی موثر باشند، همچنین الگوهای فرآیند شناختی در طول زمان انعطاف ناپذیر می‌شوند و رفتارهای پرخاشگرانه شدت می‌یابند، ناسازگارتر می‌شوند شناخت‌های ناکارآمد رشد می‌کنند، ناپایدارتر می‌شوند، سطح تحریف‌های شناختی برانگیختگی‌های هیجانی و جسمانی افزایش می‌یابند (کریک^۱ و داچ^۲، ۱۹۹۴ و هاروی فلتچر^۳ و فرنچ^۴، ۲۰۱۱).

براساس پژوهشی که اثر بخشی مدیریت پرخاشگری با رویکرد TAEM در دانش‌آموزان دبیرستانی با طرح پیش آزمون و پس آزمون به روش نمونه‌گیری تصادفی در شهرستان تایباد بین ۱۵ - ۱۹ ساله انجام گرفت. گروه آزمایش به مدت ده جلسه ۴۵ دقیقه‌ای هر هفته یکبار مشارکت نمودند یافته‌ها نشان دادند که بلوغ اجتماعی گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه افزایش یافته است و می‌توان آموزش مدیریت پرخاشگری مبتنی بر رویکرد شناختی رفتاری بعنوان روشی موثر بر افزایش بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستان در نظر گرفت (خجسته کاشانی، آقا محمدیان شعریاف و قنبری هاشم آبادی ۱۳۹۱).

تاکنون تحقیقات انجام شده با برنامه اثر بخشی رویکرد شناختی رفتاری (TAEM) بر روی مقطع دبیرستان و افرادی که در فضای طبیعی جامعه زندگی می‌کنند، انجام گرفته است، ما برآنیم که بدانیم در مورد کودکان بی سرپرست و بدسرپرست که برخی از آنان دارای سابقه‌ی بزهکار و می‌توانند دارای اختلالات سلوک باشند و از خانواده‌های از هم پاشیده و دارای روابط معیوب بین اعضای خانواده و همچنین فضای بسته و تا حدودی دارای فشار مراکز شبانه روزی به سر می‌برند نیز آیا برنامه مدیریت خشم با رویکرد رفتاری شناختی TAEM می‌تواند موثر باشد؟ و آیا میان پرخاشگری و نظم‌جویی هیجانی شناختی می‌توانند رابطه‌ی وجود داشته باشد؟ و برنامه مدیریت خشم TAEM از این طریق می‌تواند بر نظم جویی هیجانی شناختی نیز تاثیر بگذارد؟

1 . Creak. E
2 . Ditch
3 . Fletcher. H
4 . French. G

ضرورت و اهمیت پژوهش

پرخاشگری از جمله واکنش‌هایی است که شیوه‌های گوناگونی تاکنون برای مهار آن طراحی شده است. افزایش و عدم کنترل آن می‌تواند آسیب‌های جدی به فرد و پیرامون وی را به همراه داشته باشد.

در نتیجه هر چه برنامه‌ای در روند مهار این هیجان کارآمدتر باشد. از آسیب‌های بیشتری جلوگیری خواهد کرد. بسیاری از آسیب‌هایی که خانواده و جامعه متحمل می‌شوند نتیجه پرخاشگری‌های کنترل نشده است.

نوجوانان نیز گروهی هستند که با این هیجان به شدت درگیرند و به تبع آن خانواده‌های آنان در عرصه وسیع‌تر جامعه نیز درگیر می‌گردد. امروزه ارجاعات بسیاری از کودکان و نوجوان به مراکز مشاوره از مدراس و گله‌مندی بسیاری از والدین پرخاشگری فرزندان است.

با توجه به آنچه گفته شد شاید کودکانی را که در مراکز شبانه روزی به سر می‌برند از جمله قربانیانی از فقر اجتماعی و عدم کفایت‌مندی والدین و بدنبال آن فارغ گشته از روش‌های صحیح مهارت‌های زندگی بتوان شمرد.

بنابراین محیط مراکز نگه داری و شبانه روزی‌ها می‌تواند فضائی باشد برای اینکه این رسیدگی که جبر زمانه از دسترسی به آن محرومند را دارا شوند. از این حیث وظیفه خطیر و حساس بر دوش سازمان‌های اصلاح و تربیت و یا مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست می‌باشد. و بهبود هر چه بهتر برنامه‌های این سازمان بر دوش پژوهشگران این عرصه می‌باشد ما برآنیم تا با اجرای برنامه اثربخشی برنامه آموزش مدیریت خشم نوجوان تام بر کاهش پرخاشگری و بررسی نتیجه آن راهکاری را تدوین کرده تا بر کاهش سطح پرخاشگری و افزایش نظم جویی شناختی نوجوانان اثر می‌گذارد باشد. کاهش خشم و پرخاشگری و افزایش نظم‌جویی شناختی هیجان می‌تواند بر بهبود سطح زندگی پس از خروج از این سازمان نیز موثر واقع گردد به عبارتی سبب افزایش موثر سطح تعاملات اجتماعی وی گردد.

از آنجا که نوجوانان گروه مهمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و آینده‌سازان جامعه هستند و همچنین پدیده‌ی بی‌سرپرستی و بدسرپرستی ناخواسته بر آنان تحمیل گردیده است و هر ساله هزینه‌های زیادی از جامعه صرف این‌گونه افراد می‌شود برنامه آموزشی مؤثر برای این افراد در مراکزی که نگهداری می‌شوند می‌تواند بسیار کمک کننده باشد ما برآنیم تا بدانیم آیا برنامه تام می‌تواند بر پرخاشگری و هیجانات مؤثر واقع شود؟

اهداف اصلی

بررسی اثر بخشی آموزش مدیریت خشم (تام) بر کاهش پرخاشگری در نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست. بررسی اثربخشی آموزش مدیریت خشم (تام) بر بهبود نظم‌جویی هیجان شناختی سازگاران نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست

فرضیه‌های پژوهش

بین میزان پرخاشگری نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرستی که برنامه آموزش خشم تام را دریافت می‌کنند و افرادی که این آموزش را دریافت نمی‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد. بین میزان نظم‌جویی شناختی هیجان نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست که برنامه آموزش خشم تام را دریافت می‌کنند و افرادی که این آموزش را دریافت نمی‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد.

تعریف متغیرهای پژوهش

پرخاشگری

پرخاشگری به هر گونه رفتاری اطلاق می‌شود که به قصد آسیب‌رساندن به دیگران از یک فرد سر می‌زند. پرخاشگری ممکن است به شیوه‌های متفاوتی خود را نشان دهد. خصومت معرف جنبه شناختی پرخاشگری و خشم نشان دهنده جنبه هیجانی آن است. جنبه رفتاری پرخاشگری نیز به شکل کلامی و جسمانی بروز می‌کند (خزاعی، اسدی، محمدی، ۱۳۹۰).

نظم‌جویی هیجان شناختی

شامل ایجاد افکار و رفتارهایی است که افراد آگاهی می‌دهد چه نوع هیجانی دارند چه هنگام این هیجان در آنها پدید می‌آید و چگونه باید آن را ابراز نمایند (بهرامی، رضوان، عابدی، ۱۳۸۴).

نظم‌جویی شناختی هیجان

در این پژوهش برای اندازه‌گیری نظم‌جویی شناختی هیجانی، از فرم پرسشنامه (CERQ-K-P) استفاده شده است.

پرخاشگری

در این پژوهش برای اندازه‌گیری پرخاشگری از پرسشنامه اسپیلبرگر استفاده شده است.

فصل دوم

گستره‌ی نظری و ادبیات پژوهش

موضع‌گیری‌های نظری در خصوص کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست

تاریخچه حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست

مسائل اجتماعی مثل فقر، بیماری و بی‌سرپرستی، بیکاری، فحشا و بردگی و همواره در تاریخ زندگی انسان‌ها وجود داشته است. مشکل کودکان بی‌سرپرست نیز دارای تاریخچه‌ی بسیار طولانی بوده و بی‌شک از زمانی که بشر زندگی اجتماعی اختیار کرده، با این معضل نیز روبه‌رو بوده است. لیکن موضوع اصلی چگونگی و نحوه‌ی برخورد رسیدگی جامعه به آن‌هاست (تبریزی، ۱۳۸۰).

نحوه نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست در طول تاریخ

حمایت از کودکان بی‌سرپرست دارای سابقه بسیار طولانی است بطوریکه هامورابی حکمران مشهور بابل تقریباً در دو هزار سال قبل از میلاد مسیح مراقبت از زنان بیوه و کودکان یتیم را بر عهده داشته است. تا قرن ۱۳ میلادی نشانه‌های که حاکی از وضعیت قانونی کلی و شخص پیرامون حمایت از ایتام باشد، موجود نیست و مسائله حمایت از کودکان بی‌سرپرست همانند دیگر مشکلات فراوان دوران کلیسایی دستخوش اوضاع آشفته‌ای بود. طی قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی بی‌توجهی به کودکان در نتیجه رها کردن آن‌ها امری عادی بود و بسیاری از آن‌ها مورد غفلت قرار گرفتند به بردگی فروخته شدند یا در صومعه خانه و یتیم خانه‌ها شدند. این نوع برخورد با کودکان ادامه داشت تا در اوایل قرن شانزدهم میلادی در تعدادی از کشورهای غربی موضوع حمایت و نگهداری از فقرا، نیازمندان، مساکین و ایتام به صورت مدون و برنامه‌ای و با همت افرادی که از حرکت‌های فکری و علمی تاثیر گرفته بودند درآمد. قانون هنری هشتم اولین قانونی بود که در انگلستان برای رسیدگی به وضع مستمندان وضع شد و در سال ۱۵۳۶ دولت انگلستان مقرراتی در زمینه قانون فوق به اجرا گذارد. در سال ۱۵۹۷ جهت نگهداری و حمایت از معلولین، پیران، نابینایان مراکز ایجاد شد و در این مراکز از این گونه افراد و کسانی قادر به کار کردن نبودند نگهداری می‌شد (صنعتی‌نیا، ۱۳۷۰).

نخستین قانونی که موضوع کودکان بی‌سرپرست در آن تاکید شده بود در آغاز قرن ۱۷ میلادی تحت عنوان قانون فقرای الیزابت اول در انگلیس اجرا شد. ویژگی دوران پس از رنسانس تغییرات فراوانی در ساخت خانواده‌ها فراهم آورد. با شکل‌گیری نهاده‌ها- و موسسات اجتماعی- رفاهی که به جهت ارائه رفاه اجتماعی به وجود آمده بودند، خود به خود حجم زیادی از وظایف تربیتی خانواده‌ها کاهش یافت و به همراه آن مشکلات اجتماعی دیگر نظیر پیشرفت صنایع و تکنولوژی، افزایش جمعیت، کاهش مرگ و میر کودکان به لحاظ بهبود بهداشت در سطح جهانی، جنگ‌های مختلف، وضعیت کودکان بی‌خانمان را با شدت حادثتری نشان داد و نتیجتاً با نزول امکانات جوابگویی به مسائل کودکان بی‌سرپرست، زنان بی‌سرپرست و اروپای قرن هجدهم با مشکلات عمیق ناشی از ضایعات اجتماعی اخلاق گروه‌های آسیب‌پذیری مواجه شد (تبریزی، ۱۳۸۰).

در ایالات متحده آمریکا اولین دارالیتام در سال ۱۷۴۰ بوجود آمد و موسسه‌ای برای نگهداری از کودکانی که در نتیجه فوت، جدائی، فقر والدین، بی‌خانمان می‌شدند. این دارالیتام از نظر تاریخی جز نخستین مراکز حمایتی در کشورهای صنعتی غرب می‌باشد. تا قبل از سال ۱۸۰۰ میلادی در آمریکا فقط هفت موسسه برای

نگهداری از اطفال ولگرد، فقیرها شده وجود داشت که هر کدام از آنها توسط بخش خصوصی اداره می‌شود. در سال ۱۹۳۰ تعداد این مراکز افزایش یافته و در مناطق مختلف آمریکا به بیست و شش واحد رسیده بود (زیدنر، ۲۰۰۸).

نحوه نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست در ایران

از چگونگی شکل‌گیری و تاسیس مراکز پژوهشی ایتمام در ایران سابقه مدونی وجود ندارد. و براساس مداراک موجود تا سال ۱۲۸۰ هجری شمسی این گونه مراکز در ایران تاسیس نشده بود فکر ایجاد پرورشگاه پس از دوران سلطنت صفویه در زمان حکومت قاجار مطرح شد. در زمان ناصرالدین‌شاه باورود برخی مطالب از غرب به ایران پدیده پرورشگاه نیز به ایران وارد شد و یک محل توسط دولت آلمان در شهرستان خود ایجاد شد (صنعتی‌نیا، ۱۳۷۰).

براساس اولین قانون شهرداری کشور که در هر سال ۱۲۸۳ هجری شمسی به تصویب رسید، نگهداری اطفال سرراهی از جمله وظایف شهرداری است. از این رو اولین مراکز نگهداری در سال ۱۲۹۸ شمسی در دروازه قزوین و اولین شیرخوارگاه نیز در دروازه دولت تهران ایجاد شد، و تا سی سال بود همین دو محل برای اینگونه اطفال تعیین شده بود. در سال ۱۳۲۴ شمسی پرورشگاه دروازه دولت به نام بنگاه مستقل پرورشگاه کودکان تغییر نام داد ولی شیرخوارگاه کودکان به فعالیت خود به شکل قبل ادامه داد. در سال ۱۳۳۸ بعد از ایجاد آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی و تربیت مددکاران در ایران توجهی به وضع نگهداری اطفال بیتم شود تغییرات اساسی صورت گرفت (بابایی، ۱۳۷۹).

علل بی‌سرپرستی

گسیختگی خانواده و نیز عوامل دیگر خانواده‌های زیادی را با بی‌سرپرستی کودکان روبه‌رو ساخته است. ناسازگاری والدین خاصاً وقتی منجر به جدائی و طلاق می‌شود آسیب‌پذیری فرزندان را افزایش می‌دهد. از دست‌دادن والدین با یکی از آنها خانواده را دچار نقص می‌کند و آن‌گاه که خانواده گسسته تداوم زمانی پیدا کند تأثیرات منفی بیشتری بر کودکان داشته، زمینه را برای بروز آسیب‌های اجتماعی مختلف مقایسه می‌کند. کودکان بی‌سرپرست ممکن است یک با تمام افرادی که حضور فیزیکی آنها در تامین مرگ پدر، ازدواج مجدد مادر و عدم پذیرش^۱ ناپدری، یا مرگ مادر و حضور نامادری، مشکلات ارتباطاتی عاطفی میان کودک و نامادری و نیز اعتیاد پدر و بی‌تفاوتی مادر و بستگان را می‌توان نمونه‌هایی از علل بی‌سرپرستی قلمداد کرد (تبریزی، ۱۳۸۰).

کاهش حضور فیزیکی هر یک از والدین یا هر دو آنها به خودی خود کودک بی‌سرپرست می‌کند. پدر و مادر لاقیه یا والدینی که بر اثر اختلافات بین خود و خانواده را به کانونی از نامهربانی‌ها تبدیل به طوری که کودک دائماً در معرض فشارهای روانی و استرس قرار داد سرپرست دارند بی‌سرپرست‌اند. با توجه به آنچه گفته شد بی‌سرپرستی طیف وسیعی از کودکان را در بر می‌گیرد. به طوری که گاه حوادث، مسائل مشکلات والدین را از کودکان دور می‌کند و یا والدین با قراردادن کودک خویش در کنار خیابان یا مساجد و اماکن معتبر که

1 - Acceptance

بی‌سرپرست به وجود آوردند و گاه کودک با گریه از خانه و کاشانه خود محبوب بی‌سرپرستی خویش می‌شود (بابایی، ۱۳۷۹).

به طور کلی عواملی که باعث می‌شوند کودکان از طریق خانواده و یا سایر مراجع ذیصلاح در مراکز شبانه‌روزی مورد پذیرش و نگهداری قرار گیرند از حوادث و بلاهای طبیعی از قبیل سیل، زلزله، قحطی، خشکسال، گرسنگی، بیماری‌های واگیردار و مرگ و میر طبیعی والدین که بر اثر آن تعدادی از کودکان، والدین و اقوام را از دست می‌دهند.

مجهول‌المکان بودن والدین، طلاق و جدائی والدین از یکدیگر، ترک خانواده توسط پدر، اعتیاد والدین یا یکی از آنها عدم صلاحیت اخلاقی و اجتماعی والدین یا یکی از آنها، بیماری صعب‌العلاج والدین، فقر، مفقودالاثر بودن والدین، وجود نابسامانی، آشفتگی و ناسازگاری در خانواده، خیانت والدین نسبت به یکدیگر، اختلاف اعتقادی و طبقاتی والدین با یکدیگر، کثرت فرزندان خانواده، ازدواج مجدد والدین، وجود ناپایداری یا ناامنی در خانواده، زندانی بودن والدین یا یکی از آنها در محل زندگی و مسکن نامناسب، فرارکردن از خانه به لحاظ عدم کارکرد درست و صحیح وظایف خانواده و اجتماع در قبال خود و یکدیگر بروز می‌کنند. در میان عواملی که اشاره شد، عدم احساس مسئولیت در قبال کودک عمده‌ترین عامل به شمار می‌رود (تبریزی، ۱۳۸۰).

مشکلات مختلف کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست

به طور کلی می‌توان گفت کودکانی که خانواده‌ها یک والدی زندگی می‌کنند، کودکانی که به فرزند خواندگی دائم یا موقت پذیرفته شده‌اند، کودکان ساکن شبانه‌روزی، کودکان خیابانی و بی‌خانمان و کودکانی که در خانواده گسیخته و آسیب‌زا زندگی می‌کنند، دارای طیف وسیعی از مشکلات مشابه و متفاوت با یکدیگرند به نظر کردگان شبانه‌روزی‌ها چون زندگی با والدین محروم‌اند؛ مشکلات بیشتری دارند (ملازاده، ۱۳۸۲).

فقدان احساس امنیت و تامین نیازها

کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست و کودکان شبانه‌روزی دچار این مشکل‌اند: جابه‌جایی مکرر از این مرکز به مرکز دیگر، از یک خانه به خانه‌ی دیگر از خانه به شبانه‌روزی و برعکس، تغییر کارکنان شبانه‌روزی، تغییر سیاست‌های مراکز نگهداری که ممکن است زیر نظر سازمان بهزیستی یا نظر هیات امضا باشد و کمبود امکانات مختلف رفاهی و تفریحی. همه این موارد منجر به احساس بی‌ثباتی، عدم امنیت و عدم ارضای نیازهای مختلف می‌شود. بی‌ثباتی و عدم امنیت خود باعث بروز احساساتی مثل گناه، شرم و ادراک به عنوان جانی خطرناک می‌شود. (حمیده پور گنابادی، آقا محمدیان شعرباف، اصغر نکاح، ۱۳۹).

تحقیقات در مورد مقایسه میزان اعتماد به نفس و خود پنداره‌ی کودکان عادی و ساکن در مراکز شبانه‌روزی، نتایج مختلفی را نشان داده است، ولی در مجموع بیشتر آن‌ها بیانگر سطح پایین اعتماد به نفس وجود پنداره در کودکان شبانه‌روزی است تحقیقی بابائی و همکاران (۱۳۷۹) در مراکز شبانه‌روزی استان تهران نشان می‌دهد فرزندان شبانه‌روزی‌ها دارای سطح پایین اعتماد به نفس، کودکان شبانه‌روزی با رفتن به کلاس‌های بالاتر کاهش می‌یابد (ملازاده، ۱۳۸۲).

در مراکز مراقبت از کودکان بی سرپرست رفتارهای خشونت‌آمیز کلامی و بدنی شیوع زیادی دارد، شلوغی این مراکز سلیقه متفاوت کودکان، کمبود امکانات، احساس محرومیت و از جمله عواملی‌اند که باعث این خشونت‌ها می‌شوند (نظری، ۱۳۷۸).

همچنین این کودکان نسبت به کسانی که در میان خانواده زندگی می‌کنند نسبت به مدیریت هیجانات خویش از توانای کمتری برخوردارند.

هیجان

هیجان وضعیت پیچیده‌ای است در پاسخ به تجربه‌های دارای بار احساسات هر هیجان حداقل شش مولفه دارد. مولفه شامل: نخست حالت خلقی یا احساساتی که با هیجان همراهند. واکنشهای جسمانی، دومین مولفه‌ی هیجانی محسوب می‌شوند برای مثال وقتی خشمگین می‌شوید ممکن است بی‌آنکه بخواهید بدنتان بلرزد یا صدایتان را بلند کنید. سومین مولفه، مجموعه افکار و باورهایی است که با هر هیجان معین همراه هستند و ظاهر بطور خودکار در ذهن پیدا می‌شوند. به عنوان مثال، احساس شادی غالباً همراه با اندیشیدن درباره علل آن است. چهارمین مولفه تجربی هیجان، جلوه‌های چهره است. برای مثال وقتی حالت انزجار به شما دست دهد احتمالاً اخم می‌کنید. پنجمین مولفه واکنشهای کلی به هیجان است برای مثال هیجان منفی ممکن است دید شما را نسبت به جهان تیره کند. ششمین مولفه، پیدایش تمایل به دست زدن به اعمال همسو با آن هیجان است یعنی سلسله رفتاری که هنگام تجربه هیجان رخ می‌کند مثلاً خشم ممکن است منجر به پرخاشگری شود (لازاروس^۱، ۱۹۹۱؛ هلیگارد^۲ ۱۳۸۵).

بیشتر مردم در طول زندگی هیجانات شدید و غیر قابل کنترل را تجربه کرده‌اند و در چنین مواقعی شخص بسیار مایل است شدت خشم، غم، اضطراب و ناامیدی تحت کنترل او باشد. ممکن است شدت هیجانات بر رفتار و طرز برخورد فرد به گونه‌ای تاثیر بگذارد که موجب رنجش و ناراحتی خود و اطرافیانش شود (شرر، ۲۰۰۵) اصطلاح هیجان از ریشه لاتین (Emovere) به معنی تحریک، حرکت و حالت تنش مشتق شده است. هیجان در زبان متداول با شور، احساس، انفعال و عاطفه معادل است در حال ماضی دو نوع کاربرد برای این واژه وجود دارد:

اصطلاحی پوششی برای تعداد نامعینی از حالات ذهنی. این همان معنایی است که ضمن صحبت از عشق و نفرت و ترس مورد نظر است.

برچسبی برای زمینه‌ای از پژوهش‌های علمی که به بررسی عوامل محیطی، فیزیولوژیکی و شناختی این تجربیات ذهنی می‌پردازد. علاوه بر این کاربردها، اصطلاح هیجان مفاهیم ضمنی دیگر نیز دارد: حالات هیجانی به طور طبیعی، حاد تلقی می‌شوند و این حالات، تجارب ذهنی هستند که با احساسات تفاوت داشته و از نظر رفتاری با آشفتگی و اضطراب همراه هستند (شرر، ۲۰۰۵؛ ملکی، ۱۳۹۱).

هیجان، حالت پیچیده روان‌شناختی است که شامل مؤلفه مجزا می‌باشد:

1 . Lazarus. A
2 . Heigard

تجربه ذهنی، پاسخ هیجانی، و رفتار آشکار، بر این اساس مؤلفه‌های موجود، هیجان‌های اصلی شامل، ترس، تعجب، خشم، نفرت، ناراحتی، شادی می‌باشند و نوع دیگر هیجان هیجان‌های مرکب هستند که از ترکیب هیجان‌ات اصلی می‌باشند (ملکی، ۱۳۹۱).

هیجان معرف داده‌های درونی هستند که بر انگیزش و رفتار اثر می‌گذارند در واقع هیجان ممکن است مقدم بر شناخت باشد و داده‌های تجربی نشان می‌دهد که از طریق ساختار مغزی زی‌قشری کنترل می‌شود هیجان ما می‌تواند بر طیفی از فرآیندهای شناختی، از جمله سوگیری در توجه و حافظه، قضاوت و تصمیم‌گیری اثر بگذارند (کلور و پارات، ۱۹۹۴؛ بیانگرد ۱۳۸۱).

مؤلفه‌های هیجان

هر هیجان شامل شناخت، اعمال و احساسات می‌باشد و تمامی هیجان‌ات این مراحل را طی می‌کنند:

- ۱- احساس درون ذهنی
- ۲- تحریک دستگاه خودکار
- ۳- ارزیابی شناختی از موقعیت
- ۴- ابزار هیجان
- ۵- واکنش عمومی
- ۶- گرایش عملی که مقدار هیجانی که از احساس ناشی می‌شود و به صورت رفتار خاصی بروز می‌کند به تجربه فرد بستگی دارد (اشمیت، ۱۹۹۹).

تاریخچه هیجان:

دانشمندان زیادی راجب هیجان پژوهش کرده‌اند. ویلیامز جیمز، اولین تحقیقی که برای هیجان یک الگوی فیزیولوژیکی ارائه داد و چارلز داروین یکی از اولین دانشمندانی بود که هیجان را بطور سیستماتیک مطالعه کرد. هدف وی از نشان دادن هیجان در میان شاهدهی بر نظریه تکاملش بود (شرر ۲۰۰۵؛ ملکی، ۱۳۹۱).

نظریه‌های هیجان

نظریه جیمز – لانگه:

بر طبق این نظریه هیجان‌اتی که احساس می‌شوند: ادراک دگرگونی‌های بدنی است. طبق این نظریه چیزی که ما به صورت هیجان تجربه می‌کنیم برچسبی است که به پاسخ‌های خودمان می‌زنیم به عبارت دیگر هیجان واکنش مستقیم حوادث محیط نیست، بلکه واکنشی است که در برابر پاسخ ارگانیزم به آن، حوادث به این معنی که وجود محرک هیجانی سبب فعال شدن پاسخ‌های ماهیچه‌ای و رفتار می‌گردد که پس‌خوراند ناشی از ارگانیزم تجربه‌های هیجانی تلقی می‌گردد. برای مثال چون می‌گریزیم پس می‌ترسیم (محمی‌الدین بناب، ۱۳۷۴).

در این نظریه توالی روادیدها در حالت هیجانی به صورت زیر مطرح می‌شود:

موقعیتی که سبب هیجان خواهد شد را ادراک می‌کنیم. به این موقعیت واکنش می‌دهیم. متوجه واکنش خود می‌شویم، ادراک، از واکنش خود احساس هیجانی است که تجربه می‌کنیم از این رو تجربه هیجان – احساس درونی هیجان – بعد از تغییرات بدنی رخ می‌دهد (م‌حی‌الدین بناب، ۱۳۷۴).

نظریه شاخ‌سینگر:

در این نظریه، هیجانی که احساس می‌کنیم و تغییر از حالت‌های برانگیختگی است و معتقد بودند که حالت بدنی برانگیختگی هیجانی برای بیشتر هیجان‌هایی که، احساس می‌کنیم یکسان است و اینکه اگر حتی در الگوهای بدنی پاسخ‌های متفاوتی وجود داشته باشد مردم نمی‌توانند آنها را درک کنند. طبق این نظریه رویدادها در ایجاد احساسات هیجانی به قرار زیر است:

ادراک موقعیت بالقوه هیجان‌زا، حالت برانگیخته شده که نتیجه این ادراک است و مبهم است، تعبیر و مشخص کردن حالت‌های بدنی به طوری که با موقعیت ادراک شده متناسب باشد (م‌حی‌الدین بناب، ۱۳۷۴).

نظریه ارزیابانه:

طبق نظریه لازاروس، هیجان نتیجه ارزیابی اطلاعات از موقعیت محیطی و از درون بدن است (هیلگارد، ۱۳۸۴). لازاروس معتقد بود که ارزیابی به شکل تکانه‌ای برای عمل، به واکنش هیجانی رفتار می‌انجامد. خدمت لازاروس این بود که ارزیابی‌های کلی و مقدماتی خوب، بد با ارزیابی‌های خاص تکمیل کرد، ارزیابی‌هایی از اینکه موقعیت‌های محرک اختصاصاً چالش‌برانگیز، تهدیدکننده، منجرکننده، ناکام‌کننده و از این دست هستند. برای لازاروس هر هیجان ارزیابی خاص خود را دارد، و مردم نه تنها موضوع محیطی را به صورت خوب یا بد ارزیابی کنند، بلکه آن را به صورت نوعی خاص از بد مانند تهدیدکننده، ناکام‌کننده، منجرکننده و غیره ارزیابی کنند، ارزیابی‌های اختصاصی‌تر به هیجانات خاص می‌انجامد (سیدمحمدی، ۱۳۸۵).

نظریه بازخورد چهره:

طبق این نظریه حالت چهره باعث تجربه درون ذهن هیجان می‌شود. تاکنون معتقد است: حالت چهره یا مثبت است یا منفی. حالت چهره از همین طریق می‌تواند هیجانات مثبت و منفی را از هم افتراق دهد (هیلگارد، ۱۳۸۴).

نظریه‌های کلاسیک تاکنون در باب هیجان در شش مورد متوفق‌القولند:

- ۱- هیجان نظامی است که بر نظامهای دیگر اثر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌گیرد.
- ۲- بین هیجانهای مختلف تشابه و تمایز وجود دارد.
- ۳- برخی از هیجانها به عنوان هیجانهای نخستین و بعضی دیگر ثانوی در نظر گرفته می‌شوند.
- ۴- تمام هیجانها دامنه‌ای از شدت دارند و کیفیت آنها زمانی که شدت آنها بیش از حد فزون یابد تغییر می‌کند.
- ۵- هیجانها انرژی‌دهنده یا انگیزشی هستند.